

چکیده‌ی مبحث مشیت خدا در اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر

دکتر جان دبلیو تويدال

راه‌های خدا گاهی حیرت‌آور به نظر می‌رسند. به قول پولس رسول، درک ناشدنی هستند (رومیان ۱۱: ۳۳). به همین دلیل است که ما مسیحیان اغلب یکدیگر را ترغیب می‌کنیم که به مشیت خدا توکل کرده، دست نامرئی او را به یاد داشته باشیم و آگاه باشیم که او همه چیز را به نفع ما به کار می‌گیرد (۸: ۲۸). ما زمانی به مشیت تمسک می‌جوییم که راه‌های خدا «فوق از کاوش» می‌شوند (۱۱: ۳۳). وقتی فاجعه رخ می‌دهد. وقتی شادی غافل‌گیر می‌کند. وقتی غم و اندوه غلبه می‌کند. وقتی فرصت در می‌زند. زمانی که شرایط ما را به مرز جنون می‌کشاند. وقتی جوابی نداریم. به نحوی ما مسیحیان می‌دانیم که پاسخ در عمق مشیت خدا نهفته است.

جذابیت مشیت در این است که هر لحظه از زندگی ما -خوب، بد و هر چه در آن بین است- را در پس‌زمینه‌ی نقشه‌ی خدا برای همه‌ی چیزها قرار می‌دهد. ما به خود می‌گوییم که همه چیز در کنترل خداست. با این حال، باز تلاش می‌کنیم تا هرج و مرج زندگی خود را به قطعیت نقشه خدا ربط دهیم. ما به‌عنوان مخلوقات محدود و سقوط کرده، اغلب اعتماد نداریم که خدا ما را بر اساس خیریت و اراده‌ی مقتدرانه‌ی خود رهبری، راهنمایی و هدایت خواهد کرد. یکی از دلایلی که مسیحیان از دیرباز در مورد مشیت صحبت کرده‌اند، تقویت ایمان ما در میان عدم قطعیت‌های زندگی است.

هنگامی که روی این مقاله کار می‌کردم، برای قدم زدن به محوطه‌ی دانشکده کتاب‌مقدس اصلاحات جایی که در آن تدریس می‌کنم، رفتم و هنگام برگشت به دفتر کارم دور زدم و از کنار کافی‌شاپ آمدم تا قهوه‌ی بعدازظهرم را بخرم. در حالی که منتظر بودم، از یکی از شاگردانم درباره چیزی در زندگی‌اش پرسیدم. او غافل از اینکه من در حال نوشتن مقاله‌ای درباره‌ی مشیت هستم، به بیان افکارش پرداخت. مضمون بر این مشکل که همیشه از راه‌های خدا آگاهی ندارد. او مثال خوبی برایم زد. به من گفت که هنگام سفر با ماشین، ترجیح می‌دهد نقشه روی گوشی هوشمندش باز باشد تا همیشه بداند کجاست، کجا می‌رود و چگونه به مقصد می‌رسد. اما اعتراف کرد، زمانی که نقشه‌ای برای دنبال کردن ندارد و فقط یک دوست یا یکی از اعضای خانواده را دارد که سر هر پیچ راه را نشانش بدهند، سفر کردن را دوست ندارد. حرف او به‌جا بود. او می‌داند که باید به مشیت خدا اعتماد کند، اما آرزو می‌کند که ای کاش می‌توانست نقشه‌ی مختصات زندگی خودش را ببیند.

جان فلاول پیوریتن، در مهم‌ترین اثر خود «راز مشیت» می‌گوید: «وظیفه‌ی مقدسین است، به‌ویژه در تنگناها، که در همه حالات و در تمام مراحل زندگی‌شان روی عملکرد مشیت برای خود تأمل کنند.» به عبارت دیگر، فلاول مسیحیان را ترغیب می‌کند که در هر برهه از زندگی در مورد مشیت خدا تعمق کنند و حتی در مورد راه‌های او با سایر مسیحیان صحبت کنند. اما برای هر نوع تأمل پربار در مورد «عملکرد مشیت»، باید درک روشنی از مفهوم اصطلاح مشیت داشته باشیم.

برای خلاصه کردن تعالیم کتاب مقدس در مورد آموزه‌های اصلی، کمتر منبعی بهتر از اعتقادنامه‌ی وست‌مینستروود دارد. در فصل پنجم اعتقادنامه، یکی از دقیق‌ترین تعاریف مشیت در تاریخ کلیسا را داریم. در ادامه‌ی این مقاله، چهار بخش اول از فصل ۵ اعتقادنامه‌ی وست‌مینسترا بررسی خواهیم کرد که آموزه‌ی مشیت در کتاب مقدس را به تفصیل شرح می‌دهد.

بخش آغازین فصل ۵ مشیت را به تقدیر ازلی خدا (به اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر ۳ مراجعه کنید) در قلمرو خلقت خدا (به اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر ۴ مراجعه کنید) مربوط می‌کند.

خدا، که خالق عظیم همه چیز است، همه مخلوقات و تمام اعمال و اشیا را اعم از کوچک و بزرگ با مشیت کاملاً حکیمانه و مقدس خود مطابق پیشدانی مصون از خطایش و برطبق صلاح و مصلحت و میل مستقل و تغییر ناپذیر خود برای تمجید، جلال، حکمت، و قدرت و عدالت و نیکویی و رحمت خود محافظت و رهبری و مرتب می‌فرماید و اداره می‌کند. (اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر ۱.۵)

در کتاب حقایقی که به آن‌ها معترفیم، که یک راهنمای عالی برای اعتقادنامه‌ی وست‌مینستراست، دکتر آر. سی. اسپرول این بند را «خلاصه‌ی بی‌نظیر الهیات اصلاح‌شده» می‌نامد. در ابتدا، توجه داشته باشید که اعتقادنامه، مشیت را با کار خلقت خدا پیوند می‌دهد. از آنجا که خداوند همه چیز را آفریده است، او بر همه چیز حکومت می‌کند. خداوند بی‌اعتنا یا کناره‌گیر نیست. او فعالانه در دنیایی که ساخته است مشارکت می‌کند و هر چیز بزرگ و کوچک را مطابق نقشه‌ی مقتدرانه‌ی خود هدایت می‌کند. خواننده‌ی عزیز، خداوند از اتفاقات زندگی شما غافل نیست. او از رنج شما متعجب یا غافل‌گیر نمی‌شود. خدایی که کهکشان‌ها را ساخته است، از موهای سر شما، ترس‌های دل شما، وقایع زندگی شما و جزئیات آینده‌ی شما آگاه است (متی ۶: ۲۵-۳۴: ۱۰: ۲۶-۳۳؛ را در نظر بگیرید).

کتاب مقدس مملو از آیاتی است که بر نگهداری، هدایت، تصرف و فرمانروایی بر خلقت خدا گواهی می‌دهند. در اینجا فقط به تعداد انگشت‌شماری اشاره می‌شود. مزمور ۱۳۵: ۶ تعلیم می‌دهد که مشیت خدا شامل تمام بخش‌های آفرینش می‌شود: «هر آنچه خداوند خواست کرد، در آسمان و در زمین و در دریا و در همه‌ی لجه‌ها». امثال ۱۵: ۳ به ما یادآوری می‌کند که «چشمان خداوند در همه جاست، و بر بدان و نیکان می‌نگرد». دانیال ۲: ۲۱-۲۲ توضیح می‌دهد که خدا «وقت‌ها و زمان‌ها را تبدیل می‌کند. پادشاهان را معزول می‌نماید و پادشاهان را نصب می‌کند. حکمت را به حکیمان می‌بخشد و فطانت‌پیشه‌گان را تعلیم می‌دهد. اوست که چیزهای عمیق و پنهان را کشف می‌نماید. به آنچه در ظلمت است عارف می‌باشد و نور نزد وی ساکن است». اعمال رسولان ۱۷: ۲۴-۲۸ اعلام می‌کند که «خدایی که جهان و آنچه در آن است آفرید، ... به همگان حیات و نفس و جمیع چیزها می‌بخشد. ... و زمان‌های معین و حدود مسکن‌های ایشان را مقرر فرمود ... زیرا که در او زندگی و حرکت و وجود داریم.» و عبرانیان ۱: ۳ بیان می‌کند که خدای پسر، دومین شخص تثلیث، «به کلمه‌ی قوت خود حامل همه‌ی موجودات بوده.» شهادت همه‌جانبه‌ی کتاب مقدس این است که خداوند بر همه چیز در آسمان و زمین کنترل دارد. همان طور که توماس واتسون می‌گوید، «خدا مانند استادکاری نیست که خانه‌ای بسازد و سپس آن را ترک کند، بلکه مانند یک ناخدا، کشتی کل خلقت را هدایت می‌کند.»

اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر، مشیت را نه تنها به آفرینش، بلکه به «موافق رأی اراده‌ی آزاد و تغییرناپذیر خود [خدا]» مرتبط می‌کند. رویدادهای خلقت و مشیت، آشکار شدن طرح کامل خداوند برای جهان را نشان می‌دهند. به بیان دیگر، خداوند احکام ابدی خود را در کارهای خلقت و مشیت انجام می‌دهد. اما احکام خداوند چیست؟ کتاب تعلیمی کوتاه‌تر وست‌مینستر پاسخی موجز به ما می‌دهد: «احکام خدا موافق رأی اراده‌ی او، مقصود ابدی اوست، که به موجب آن، برای جلال خود، هر آنچه واقع شود را، از پیش تعیین کرده است» (اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر ۷). به بیان ساده‌تر، هر آنچه در زندگی شما اتفاق می‌افتد مطابق حکمت بی‌پایان خداوند است. همانطور که زمورنویس می‌گوید: «ای خداوند اعمال تو چه بسیار است! جمیع آن‌ها را به حکمت کرده‌ای. زمین از دولت تو پر است» (زمور ۱۰۴: ۲۴).

آموزه‌ی مشیت به ما یادآوری می‌کند که اگرچه ممکن است مقاصد دقیق خدا از دید ما پنهان باشد، اما دانستن اینکه هر آنچه به ما می‌رسد از نیکویی خدا و نقشه حکیمانه‌اش برای زندگی ما سرچشمه می‌گیرد همچنان می‌تواند مایه‌ی آرامش ما باشد. بدون شک این حقیقت گرانبها در امثال سلیمان نهفته است که به ما اندرزهای بسیار برای اعتماد به خدا می‌دهد. ما بر خداوند تکیه می‌کنیم و نه بر عقل خود، زیرا او طریق‌های ما را راست خواهد گردانید (امثال ۳: ۵-۶). این خداوند است که قدم‌های ما را استوار می‌سازد (۹: ۱۶). اهداف او برای همیشه پابرجاست (۲۱: ۱۹). یکی از راه‌هایی که من و همسر من این حقایق را در خانواده‌مان تقویت می‌کنیم این است که یکدیگر را به چالش بکشیم تا به حکمت خدا اعتماد کنیم، به آنچه خدا می‌دهد راضی باشیم، و به آنچه خدا هر روز ما را به انجام آن می‌خواند وفادار باشیم. ما در خدا آرام می‌گیریم زیرا می‌دانیم که هیچ چیز خارج از گستره‌ی مشیت او نیست. همانطور که دکتر اسپرول می‌گفت، هیچ «مولکول مستقلی» وجود ندارد. همه‌ی آنچه اتفاق می‌افتد مطابق اراده‌ی او و برای جلال اوست.

در بخش بعدی اعتقادنامه، تمایز دشوار اما مهم بین علل اول و دوم مطرح شده و می‌گوید:

با وجودی که از نظر پیشدانی و مشیت خدا، که خودش علت العلل یا علت اول می‌باشد، همه چیز بدون تغییر و اشتباه عملی می‌شود ولی خدا به‌وسیله همین مشیت چنین مقرر فرموده است که این امور براساس مفهوم علل ثانویه یا به‌طور ضروری یا آزاد و یا مشروط اتفاق افتند. (اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر ۲.۵).

پیش از این در اعتقادنامه، روحانیان وست‌مینستر (همانطور که الهیدانان در قرن هفدهم نامیده می‌شدند) به همین نکته اشاره کرده‌اند:

خدا از ازل از طریق مصلحت حکیمانه و قصد کاملاً مقدس خود، به طور آزاد و غیر قابل تغییر، هر چیزی را که به وقوع می‌پیوندد مقرر فرموده ولی این امر را طوری انجام داده که خودش به وجودآورنده گناه نیست و تجاوزی به آزادی اراده مخلوقات نکرده و نیز آزادی و اختیار در مورد علل ثانویه را از انسان سلب ننموده بلکه برقرار داشته است.. (اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر ۱.۳)

این دو گزاره از جمله دقیق‌ترین و از نظر علم الهیات وزین‌ترین بخش‌های کل اعتقادنامه هستند. قبلاً دیدیم که مشیت خداوند عامل اجرا و استمرار نقشه‌ی از پیش تعیین‌شده‌ی او برای همه چیز است. هنگامی که به حکمرانی خدا بر خلقت فکر می‌کنیم، باید هر تصویری از مشیت را که از یک سو حاکی از کناره‌گیری خدا از جهان است یا از سوی دیگر با انسان‌ها مانند روایات رفتار می‌کند، رد کنیم. ما هم دئیسم و هم جبرگرایی را رد می‌کنیم، زیرا هر دو

رابطه‌ی خدا با جهان را مخدوش می‌کنند. در دئیسم، خدا هیچ کاری نمی‌کند و فقط ناظر است. در جبرگرایی، خدا همه کارها را انجام می‌دهد. هیچ یک از این دو جایگاه قابل قبول نیست.

با اعلام خدا به‌عنوان علت اول یا اولیه‌ی همه‌ی چیزها که رخ می‌دهد و تصریح مشروعیت علل ثانویه، اعتقادنامه، اجماعی از اقتدار الهی و آزادی انسان را تأیید می‌کند، به این معنی که خداوند قصد خود را از طریق انتخاب آزادانه‌ی مخلوقات و سایر علل فرعی محقق می‌کند. همان طور که یوسف به برادرانش که او را به بردگی فروختند می‌گوید: «شما درباره‌ی من بد اندیشیدید، لیکن خدا از آن قصد نیکی کرد» (پیدایش ۵۰: ۲۰). خواهران و برادران یوسف در توطئه علیه برادرشان و دروغ گفتن به پدرشان در مورد مرگ او گناهکار بودند (پیدایش ۳۷ را بخوانید)، اما خدا از طریق این رویدادها کاری کرد تا وعده‌هایش به ابراهیم، اسحاق و یعقوب محقق شود (به پیدایش ۵۰: ۲۴ مراجعه کنید). به همین ترتیب، همان طور که کتاب خروج، اقدامات فرعون علیه اسرائیل را شرح می‌دهد، می‌آموزیم که دل فرعون سخت گشت و از رهایی اسرائیل از بردگی در مصر - خودداری کرد (مثلاً، خروج ۸: ۳۲). اما مکرراً به ما گفته می‌شود که اعمال فرعون نتیجه‌ی سخت شدن قلب او به دست خداوند بود (مثلاً، ۹: ۱۲). این متون کتاب مقدس همکاری یا هم‌گرایی اراده‌های الهی و انسانی را نشان می‌دهند.

گیرهاردوس واس، اصل «هم‌رویدادی» را توضیح می‌دهد:

هر فردی فقط باید به تاریخ زندگی خود نگاه کند تا تشخیص دهد که دست بالاتری بر آن حاکم است. در این مرحله ایمان به همکاری خدا ارتباط نزدیکی با وابستگی ما به او دارد. او حتی اعمال آزادانه‌ی ما را هدایت می‌کند، و هر چقدر هم چگونگی این کار از درک ما فراتر باشد، در هر صورت باید یک همکاری و هم‌رویدادی باشد. اگر قرار باشد آزادی ما حفظ شود، نه ماده، نه سرنوشت، نه شانس نمی‌تواند بر ما تأثیر بگذارد، بلکه فقط همکاری خدا می‌تواند (مزمور ۱۰۴: ۴؛ امثال ۱۶: ۱؛ ۲۱: ۱)

خدا عامل اولیه و غایی همه چیز است. اما این گفته، طبق خلاصه‌ی کتاب مقدس در اعتقادنامه، قوانین طبیعت یا اعمال آزادانه‌ی انسان‌ها را نفی نمی‌کند. در راز مشیت الهی، خداوند از ابزارهای عادی و منظم برای تحقق اهداف مقتدرانه‌ی خود استفاده می‌کند. جی. گریشام میچن رابطه‌ی بین خدا به‌عنوان اولین علت همه چیز و علل دوم مانند جاذبه یا تصمیمات شخصی ما را روشن می‌کند. او به اختصار می‌گوید: «خدا از علل دوم برای به انجام رساندن آنچه مطابق با قصد ازلی او است استفاده می‌کند. علل دوم، نیروهای مستقلی نیستند که او به همکاری آن‌ها نیاز داشته باشد، بلکه آن‌ها ابزارهایی هستند که او دقیقاً همانطور که می‌خواهد به کار می‌گیرد.» سپس میچن برای عنوان بهتر این نکته، مثالی ارائه می‌دهد.

تصور کنید سوراخ گلوله‌ای را در شیشه‌ای پیدا کرده‌اید. طبیعتاً به این نتیجه می‌رسید که آن سوراخ ناشی از عبور گلوله از شیشه است که ناشی از شلیک اسلحه است که ناشی از کشیدن ماشه است که توسط فردی که اسلحه‌ای در دست داشته ایجاد شده است. ما مسیحیان تأیید می‌کنیم که خدا بر همه چیز قادر است. از آنجایی که او هر چیزی را که رخ دهد مقدر می‌کند، اولین عامل این رخدادها اوست. با این حال نمی‌گوییم که خدا ماشه را کشید. شکستن شیشه را هم به خدا نسبت نمی‌دهیم. میچن تأکید می‌کند شخصی که اسلحه را شلیک کرده است مسئول خسارت ناشی از گلوله است. قانون مشیت الهی مسئولیت شخصی را ملغی نمی‌کند.

اعتقادنامه اصل «هم‌رویدادی» را توسعه می‌دهد تا به این نکته اشاره کند که خداوند حاکم است و ما مخلوقاتی مسئول و اخلاقی هستیم. از آنجایی که خدا اولین علت هر اتفاقی است، طبق طرح از پیش تعیین‌شده‌ی او، «همه چیز بدون تغییر و اشتباه عملی می‌شود». نقشه‌ی ازلی خدا برای جهان تغییرناپذیر و شکست‌ناپذیر است. با این حال، او امر کرده که وقایع تاریخ «براساس مفهوم علت ثانویه یا به‌طور ضروری یا آزاد و یا مشروط اتفاق افتند» (اعتقادنامه‌ی وست مینیستر ۵: ۲).

توجه داشته باشید که روحانیان وست‌مینستره نوع علت ثانویه را شناسایی می‌کنند: ضروری، آزاد و مشروط. یک علت ضروری، از نظر ما، علتی است که برای گذران زندگی به آن نیاز داریم. به‌عنوان مثال، پیدایش ۸: ۲۲ می‌گوید: «مادامی که جهان باقی است، زرع و حصاد، و سرما و گرما، و زمستان و تابستان، و روز و شب موقوف نخواهد شد.» فصول عادی سال برای لذت بردن از ضرب‌آهنگ زندگی لازم است. همانطور که ارمیا ۳۱: ۳۵ به ما یادآوری می‌کند، خداوند خورشید را «به‌جهت روشنایی روز» و ماه و ستارگان را «برای روشنایی شب» می‌دهد. یقیناً خداوند نیازی به خلقت خود ندارد. اما در حکمت خود، جهان را چنان سازماندهی کرده است که ما به خورشید، ماه و ستارگان نیاز داریم تا روزها و شب‌هایی را که او برای ما فراهم کرده است تجربه کنیم (نگاه کنید به مزامیر ۱۲: ۹۰).

سپس، اعتقادنامه به عاملیت آزاد اشاره دارد. هر چیزی که خداوند آفریده است، مطابق ذات خود عمل می‌کند. خداوند ما را به‌عنوان مخلوقاتی طراحی کرد که عاملان اخلاقی باشیم که مسئول تمام افکار، تصورات، احساسات، گفتار، کردار، رفتار و غیره خود باشیم. ما باید برای اعمال خود پاسخگوی خداوند باشیم. اعتقادنامه بیان می‌کند که وقتی خدا آدم و حوا را در باغ عدن خلق کرد، «آن‌ها در عین حال اجازه خطا ورزیدن داشتند و به آزادی اراده خودشان که قابل تغییر بود واگذار شدند» (اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر ۴: ۲۰؛ نگاه کنید به اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر ۱۳: ۹؛ ۱-۵). یکی از معانی آن این است که هنگامی که حوا از میوه‌ی ممنوعه خورد، به میل خود این کار را کرد. به اعمال شرح داده شده در پیدایش ۳: ۶ توجه کنید. زن «دید» که میوه‌ی درخت معرفت نیک و بد برای خوراک خوب است. او آنچه را که می‌دید «پسندید». او خواهان حکمتی شد که درخت عرضه می‌کرد. او «گرفت». او «خورد». به شوهر خود نیز داد. او خورد. آن‌ها در نتیجه‌ی اقدامات خود لعنت شدند (به پیدایش ۳ مراجعه کنید). به قول واعظ قدیمی: «... خدا آدمی را راست آفرید، اما ایشان مخترعات بسیار طلبیدند» (جامعه ۷: ۲۹). از راه‌هایی که نمی‌توانیم به‌طور کامل درک کنیم، خدا زندگی محدود ما را تعیین می‌کند در حالی که هرگز اعمال اختیاری ما را تضعیف نمی‌کند (اعمال رسولان ۲: ۲۲-۲۴ را با دقت بخوانید و به تلاقی نقشه‌ی معین خدا و رفتار متمرذانه‌ی کسانی که عیسی را مصلوب کردند توجه کنید).

سوم آنکه، مشیت خداوند علت ثانویه‌ی احتمالی را نادیده نمی‌گیرد. از نقطه نظر عامل انسانی، علت شرطی علتی است که به وقوع امر دیگری وابسته است. علت مشروط اغلب به شکل قضیه‌ی «اگر-آنگاه» ظاهر می‌شوند. کتاب مقدس چندین مثال برای ما می‌آورد. در خروج ۲۱: ۱۳ و تثنیه ۱۹: ۵، اگر یک اسرائیلی مرتکب قتل غیرعمدی شده باشد، خداوند مکانی را برای آن شخص معین کرده است تا فرار کند و در آنجا پناه گیرند. در اول پادشاهان ۲۲: ۱۳-۳۶، میکای نبی در مورد مرگ اخاب هشدار می‌دهد تا اعتبار خود را به‌عنوان سخنگوی خدا نشان دهد. اگر پادشاه اسرائیل در نبرد بمیرد، آنگاه ثابت خواهد شد که او، میکاه، یک نبی راستین است. اما، همانطور که میکاه توضیح می‌دهد، اگر اخاب به سلامت بازگردد، «خداوند به من تکلم ننموده است» (آیه‌ی ۲۸). اعتبار میکاه به‌عنوان یک نبی منوط به این است که اخاب مرده یا زنده از جنگ بازگردد.

هنگامی که ما در مورد رابطه‌ی بین علل اولیه و ثانویه توضیح می‌دهیم، تأیید می‌کنیم که خداوند همه چیز را به گونه‌ای تعیین و اداره می‌کند که قوانین طبیعی و فعالیت‌های انسانی را در نظر بگیرد. اقتدار خدا علل ثانوی را از بین نبرده بلکه آن‌ها را تثبیت می‌کند. مقاصد ازلی او در تاریخ طبق مشیت او مقرر شده است. خداوند به‌عنوان اولین علت همه چیز، حکم حاکمیت خود را حکیمانانه و هدفمند از طریق چرخه‌ی منظم فصول، ظهور و سقوط امپراتوری‌ها، فراز و نشیب بازارها، و تلاش‌های روزانه‌ی آدم‌های فانی، دارای مسئولیت اخلاقی، تصمیم‌گیرنده و گناهکار اجرا می‌کند (مثلاً به اشعیا ۱۰: ۵-۱۹، به‌ویژه آیات ۶-۷ مراجعه کنید).

دو بخش بعدی در فصل ۵ اعتقادنامه‌ی وست‌مینستردو ویژگی مهم را در مورد مشیت خدا بیان می‌کند. اولین ویژگی مربوط به معجزات است: «خدا برای اجرای مشیت عادی خود وسایلی به کار می‌برد ولی آزاد است که طبق میل خود بدون این وسایل و برتر از آن‌ها و برخلاف آن‌ها نیز عمل نماید.» (اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر ۳۰۵) دنیایی که خداوند ساخته است به مداخله‌ی او بسته نیست. معمول است که خداوند از وسایل ثانویه مانند قوانین طبیعت برای تحقق اهداف الهی خود استفاده می‌کند. با این حال، خداوند هیچ اجباری ندارد که حکم مشیت خود را به این وسایل محدود کند. او ممکن است تصمیم بگیرد که آب دریای سرخ را بشکافد یا بیماران را شفا دهد یا شیاطین را بیرون کند یا مرده‌ای را زنده کند تا قدرت خود را در رها کردن قومش نشان دهد. هدف از این فعالیت‌های ماورای طبیعی تضاد یا تضعیف استفاده‌ی خداوند از وسایل عادی نیست، بلکه به منظور گسترش دامنه‌ی حاکمیت مشیت الهی است. همانطور که آرچیبالد الکساندر هاج استدلال می‌کند، «نظم طبیعت و معجزات، به جای اینکه در تضاد باشند، عناصر مرتبط و بسیار نزدیک یک سیستم جامع هستند.» خداوند از قانون طبیعی، اعمال انسانی و معجزات الهی برای به انجام رساندن نقشه‌ی ازلی و تغییرناپذیر خود برای جلال خود استفاده می‌کند.

شرط دیگری که اعتقادنامه در مورد مشیت خدا برمی‌شمارد این است که اقتدار الهی او بر همه چیز به هیچ وجه نباید به این معنا گرفته شود که او مؤلف گناه است. اعتقادنامه می‌گوید:

قدرت مطلق و حکمت غیر قابل بررسی و نیکویی نامتناهی خدا در مشیت الهی وی به قدری آشکار است که این مشیت حتی به گناه اولیه آدم و به همه گناهان فرشتگان و انسان‌ها هم مربوط می‌شود و آن‌هم نه بصورت اجازه ساده و بس بلکه به‌طوری که این اجازه محدود به حدودی حکیمانانه و نیرومند می‌باشد و همچنین به ترتیب و کنترل آنها مربوط است و از طریق نقشه‌های متعدد خدا برای انجام مقاصد مقدسش به کار می‌رود ولی این عمل طوری انجام می‌شود که گناه بودن این گناهان فقط از مخلوقات است نه از خدا که او کاملاً قدوس و عادل است و هرگز به‌وجود آورنده یا تایید کننده‌ی گناه نیست و نمی‌تواند باشد.. (اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر ۵، ۴)

محور اصلی این بخش در این ادعا نهفته است که اعمال گناه‌آلود تنها از فرشتگان و انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد و نه از جانب خدا. برای اثبات این نکته، دیوید دیکسون، الهیدان اسکاتلندی، به شهادت موسی (تثنیه ۳۲: ۴)، داوود (مزمور ۵: ۴)، دانیال (دانیال ۹: ۱۴)، حقیوق (حقیوق ۱: ۱۳)، پولس (رومیان ۳: ۳-۵)، یعقوب (یعقوب ۱: ۱۳-۱۸)، و یوحنا (اول یوحنا ۱: ۵؛ ۲: ۱۶) متوسل می‌شود. او سپس بر اساس این متون و چندین متن دیگر از کتاب مقدس استدلال‌های متعددی ارائه می‌کند تا نشان دهد که خداوند بانی گناه نیست:

چون خداوند ذاتاً و بی‌نهایت قدوس و نیک است، از هر نقص و عیب پاک و منزّه است.

چون خداوند مطلقاً کامل است، نمی‌تواند در کار خود کوتاهی کند یا نقصی داشته باشد.

چون خداوند داور جهان است و منع‌کننده و انتقام‌گیرنده در برابر هر گناه و بی‌عدالتی است که برخلاف ذات مقدس و شریعت اوست.

فصل مشیت اعتقادنامه‌ی وست‌مینسترما را به پشت صحنه‌ی تاریخ می‌برد تا به خاطرمان بماند که مطلقاً هیچ چیز خارج از گستره‌ی سلطنت خدا نیست. او همه چیز را می‌داند. او همه چیز را مقرر می‌کند. او همه چیز را برای خیریت کسانی که در مسیح هستند و برای جلال نام تثلیث او هدایت می‌کند (افسیسیان ۱: ۳-۱۴). وقتی از مشیت اسرارآمیز خداوند تحت فشار و مبهوت و رنجیده و غمگین و شگفت‌زده هستیم، موشکافی وست‌مینستر به ما کمک می‌کند تا همراه با ویلیام کاوپر بسراییم،

در اعماق معادن مرموز

او با مهارت‌های شکست‌ناپذیر

طرح‌های درخشان خود را می‌اندوزد،

و اراده‌ی مقتدرانه‌ی خود را عملی می‌کند.

گذشته از این، ما در برابر خدای مقتدر خود می‌ایستیم و همراه با پولس رسول می‌گوییم: «زیرا که از او و به او و تا او همه چیز است؛ و او را تا ابدالآباد جلال باد، آمین» (رومیان ۳۶: ۱۱).

دکتر جان دبلیو تویدال، رئیس دانشگاه و استاد الهیات در دانشکده کتاب مقدس اصلاحات در سنفورد فلوریدا و یک پیر معلم در کلیسای پرسبیتی در آمریکا است. او نویسنده‌ی کتاب جان اوون و عبرانیان است.

این مقاله در مجله [تیبیل‌تاک](#) منتشر شده است.